

نوع جدیدی از برده گی در افغانستان

Author: Mahfooz ul-Haq

بیشتر خانواده ها در داش خشت کار می کنند و در زنده گی زحمات زیادی را متقبل می شوند تا فروضی که پرداخت نقدی آن در توان شان نیست را خلاص نمایند.

ساجد سیزده ساله از سه سال به این سو که مکتب را ترک کرده در یک داش خشت کار می کند.

او روزانه دوازده ساعت کار می کند و کراچی مملو از گل را از یکجا به جای دیگر انتقال می دهد. پدر و چهاربرادر دیگرش که کوچکترین شان شش سال عمر دارد- در کنار وی در بخش تر کردن گل، شکل دادن و خشک کردن خشت ها کار می کنند.

او می گوید: «خانواده ام نگذاشتند به مکتب بروم به خاطریکه پدرم از مالک یک داش خشت پول زیادی قرض گرفته بود و مجبور بودیم آن را بپردازیم.» برادر پانزده ساله و سه خواهرش که به ترتیب دوازده، نه و شش ساله هستند نیز دوازده ساعت روز را از شش صبح تا شش شام کار می کنند.

او با اندوه گفت: «من آرزوی زیادی در زنده گی دارم. مکتب را خیلی دوست داشتم. می خواهم درس بخوانم، اما مجبورم زیاد کار کنم و با پدرم خشت بزنم.»

ساجد یکی از هزاران کودکی است که ساعت های زیادی در داش های خشت در ولایت ننگرهار کار شاقه می کنند، کودکانی که خانواده های شان از مالکان این داش ها بدهکار اند.

نسل ها نیاز است تا این قروض پرداخته شوند. خانواده های بدهکار در وضعیت بدی زنده گی می کنند چون یگانه نان آور آنها برای پرداختن قرض، کار می کند.

نورالله، پدر ساجد، می گوید: «من سه هزار دالر از مالک این داش قرض گرفتم، چون پدرم شدیداً بیمار بود و چاره ای دیگری نداشتیم. حال در گرو مانده ام و زنده گی را مثل یک برده می گذرانم. فکر نمی کنم قروضم را پرداخته بتوانم. نگرانی ام این است که حتا پس از مرگم پسریم باید همین گونه کار کند تا قرض را ادا کند.»

این مرد 51 ساله ماهانه 150 دالر دریافت می کند که به سختی برای نیازهایش کفایت می کند.

او در اخیر گفت: «من از راه خشت مالی نمی توانم پول کافی برای اعاشه خانواده ام پیدا کنم. پرداخت قرض که اصلاً امکان ندارد.»

بر اساس آمار ارایه شده از سوی اتحادیه داش داران ولایت ننگرهار، در حال حاضر به تعداد 120 داش خشت در این ولایت وجود دارد که در آن نزدیک به پنجاه هزار نفر مشغول کار اند و بیشتر از نصف آنها کارگرانی اند که خانواده های شان برای پرداخت قرض در کنار شان کار می کنند.

سرکارگر یکی از داش های خشت در ولسوالی سرخ رود ولایت ننگرهار که نخواست نامش فاش شود، به آی دلیو پی آر گفت: «مالکان داش های خشت برای کارگرانی که خانه ندارند جای بودوباش فراهم می کنند، اما در برابر آن کارگران مجبور اند یک سلسله کارها را بدون مزد انجام دهند. مالکان در برابر تهیه مسکن از کارگران می خواهند که هرماه هزارانه خشت بطور رایگان بسازند.»

این وضعیت با هجوم عودت کننده گان از پاکستان پس از آنکه این کشور از تلاش های تازه اش در مورد اخراج پناهنده گان افغان خبر داد، بدتر شد.

سرکارگر در ادامه گفت: «این روزها مهاجران زیادی بدون پول، خانه و بدون جایی برای رفتن، از پاکستان عودت می کنند که این ها شکارهای اصلی مالکین داش ها اند. اگر برای جلوگیری از این نوع استثمار اقدام نشود، خانواده های زیادی برده خواهند شد.»

کارگران داش شکایت دارند که باوجود سه چند شدن قیمت خشت در سال های پسین، افزایشی در مزد آنان بوجود نیامده است. آنان در برابر هر هزار خشت خام، پنج ونیم دالر دریافت می کنند، در حالیکه این خشت ها پس از پخته شدن 75 دالر فروخته می شوند.

عبدالحمید شیرزاد، رییس امور عامه ولایت ننگرهار، تایید می کند که گروگان گیری به شکل گسترده در این شرکت وجود دارد.

او می گوید: «مالکین داش ها ظالم هستند و برای کارگران سه مشکل را بوجود می آورند. نخست این که آنان عمداً به کارگران قرض می دهند تا بتوانند آنان را استثمار کنند. خانواده ها دو تا سه هزار دالر قرض می گیرند و مجبور اند آن را پیش از گرفتن وظیفه در جای دیگر بپردازند. مشکل دوم این است که مالکان داش در برابر مسکنی که برای کارگران فراهم می کنند از آنان می خواهند تا هزار دانه خشت بطور رایگان بسازند و مشکل سوم هم این که در برابر ساختن خشت ها مزد کمی به آنها می دهند.»

نعمت الله همدرد، سخنگوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نیز می پذیرد که این نوع جدیدی از برده گی است.

او می افزاید: «رفتار مالکان داش های خشت خلاف تمام قوانین حقوق بشر است.»

اما در آنسو، مالکان شرکت ها استثمار کارگران را رد می کنند.

جای گل پاچا، رییس اتحادیه داش داران ننگرهار، ادعا می کند که کارگران این بد رفتاری ها را دروغ می گویند.

او می گوید: «آنان پول های شان را اسراف می کنند و پس از تمام شدن پول علیه ما بدگویی می کنند.

وقتی از وی پرسیده شد چرا در برابر مسکنی که برای کارگران فراهم می کنند از آنان می خواهند هرماه هزار خشت بطور رایگان بسازند، پاسخ نداد.

گل عزیز، مالک داش خشتی در سرخ رود، به آی دلیو پی آر گفت که مسئله ساختن هزار خشت یک نوع اجاره است.

در مورد ثابت بودن مزد کارگران گفت: «ما قیمت خشت های خام را بخاطر بالا نبرده ایم که قیمت تیل بسیار بلند است. سابق قیمت یک تن ذغال 110 دالر بود، اما حالا 190 دالر است.»

با آنکه هیچ یک از مالکان داش حاضر به گفت و گوی مستقیم در باره مسئله گروگیری کارگران نشدند، گل عزیز گفت: «کارگران تا قرض مان را نپردازند هیچ جای رفته نمی توانند.»

شیرزاد می گوید که مالکان داش ها از نرخ بلند بیکاری سوء استفاده کرده و کارگران فقیر را استخدام می کنند. آنان مجبور می شوند که قرضه های بزرگ بگیرند، در غیران برای شان کار داده نمی شود. بیشتر اوقات پرداختن این قرضه ها ناممکن می باشد.

او می افزاید: «مالکان داش ها کارگران را مجبور به گرفتن قرضه کرده و قراردادی را امضا می کنند که کارگران تا پول را نپردازند جایی رفته نمی توانند. این گونه است که کارگران استثمار می شوند.»

شیرزاد می گوید که این یک عمل غیرقانونی است. قانون، وضعیت بد کودکان و انجام کارهای شاقه توسط آنها را خلاف می داند.

امضای کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق کودکان در افغانستان، کارهای فزینی شاقه که به صحت کودکان صدمه بزنند را غیرقانونی می داند. کودکان زیر سن یازده عموماً از کار منع اند و تا هژده سالگی نباید بیشتر از 35 ساعت در هفته کار کنند.

در سال 2014، حکومت افغانستان خشت زنی را در جمع 19 شغل خطرناک و ممنوع برای کودکان لست کرد.

اما با آنکه تلاش هایی برای بهبود وضعیت کارگرانی که در داش های خشت کار می کنند صورت گرفته، این قوانین اکثراً نادیده گرفته شده اند.

شیرزاد در ادامه گفت: «سال گذشته میان ریاست کار و امور اجتماعی، معارف، صحت عامه، اتحادیه کارگران و مالکین داش های خشت پیمانی امضا شد که براساس آن مالکین داش های خشت نمی توانند به کارگران هدف تعیین کنند. مثلاً آنان حق ندارند از کارگران بخواهند که هرماه برای آنان هزار خشت رایگان بسازند. هدف از این پیمان، جلوگیری از مجبورساختن کودکان برای انجام کارهای شاقه بود.»

همچنان این پیمان شامل تعهد به افزایش مزد کارگران، فراهم نمودن زمینه برای ریاست های معارف و صحت عامه برای فراهم کردن صنف های درسی و کلینیک های سیار در شرکت ها می باشد.

غلام حسین بی وس، رییس بخش حمایت از کودکان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شرق افغانستان، می گوید که آنان تلاش می کنند قوانین تازه بی را تصویب کنند.

او می افزاید: «ما بارها با خانواده های بدهکاری که مجبور به کار در این داش ها شده اند ملاقات کرده ایم. رفتاری که با آنان می شود خلاف اصول و قوانین حقوق بشر است.»

محمد لیاقت عادل، رییس عمومی فدراسیون انجمن های تجاری در افغانستان می گوید که آنان در مورد استثمار کارگران داش های خشت اعتراضاتی داشته اند و نیز از آژانس های بین المللی خواسته اند تا بر حکومت کابل فشار وارد کنند.

او در ادامه گفت: «ما دوبار از سازمان بین المللی کارگران (آژانس ملل متحد برای تعیین منصفانه معیارها برای کارگران) و نهادهای ذیربط تقاضا کرده ایم که بالای حکومت افغانستان فشار وارد کنند تا برای حل این معضل گام های جدی و عملی بردارد.»

او افزود: «خانواده هایی وجود دارند که بزرگان شان فوت شده اما کودکان شان تا حال در استثمار به سر می برند و استفاده می شوند. حکومت برای تطبیق و تاکید قوانین بین المللی در زمینه امور عامه اقدامی نمی کند. در ضمن، دولت نتوانسته مانع مالکین داش های خشت از گروگیری کارگران شان شود. در واقع، حکومت هرگز به مشکلات این کارگران گوش نمی دهد و همواره آنان را نادیده می گیرد.» عادل می گوید که ریشه کن کردن این مشکل به ویژه در موجودیت فساد گسترده، دشوار است.

«کسی که افراد دیگر را استثمار می کند حتماً کدام حمایت کننده قوی دارد، کسی که در کنارش می ایستد.»

مقامات محلی می گویند که بدون همکاری دولت کاری از دست آنان بر نمی آید.

ذبیح الله زمري، منشی شورای ولایتی ننگرهار، به آی دلیو پی آر گفت: «برخی از افراد استثمارشده توسط مالکین داش ها، به ما مراجعه نمودند و مشکلات شان را مطرح کردند و ما موضوع را با دفتر والی در میان گذاشتیم. از دست مان فقط همین قدر بر می آمد، چون صلاحیت اجرایی نداریم.»

عطاءالله خوگبانی، سخنگوی والی ننگرهار، به آی دلیو پی آر گفت: «ما خانواده بی را از قرض خلاص نکرده ایم، اما برای کودکان این کارگران زمینه رفتن به مکتب را فراهم کرده ایم.»

وقتی مقامات ظاهراً علاقه ای به اقدام علیه این پدیده نشان ندادند و ناتوانی شان را ابراز کردند، رسانه های محلی برای حل مشکل گروگان گیری کودکان پا درمیانی کردند.

ذبیح الله غازی، خبرنگار در ننگرهار، در کنار این که گزارشی در این باره تهیه کرد، به همکاری فعالان محلی تلاش دسته جمعی را نیز برای کمک به خانواده های متضرر به راه انداخت.

غازی می گوید: «وقتی داستان را در فیسبوک نشر کردم و از مردم خواستار کمک شدم، برخی از انسان های دلسوز و مهربان به

درخواستم لیبک گفتند و پول کمک کردند که با این پول قروض برخی از خانواده ها را پرداختیم و آنان را از برده گی نجات دادیم. وقتی قرض یکی از خانواده ها را پرداختیم، به دختر ده ساله آنان گفتیم که حال می تواند به مکتب برود. او از خوشحالی زیاد اشک ریخت و تمام خبرنگاران حاضر در آنجا گریه کردند. «

عبدالرحمن رییس یکی از خانواده هایی است که قرض شان پرداخته شده. او می گوید: «زنده گی ما هیچ فرقی با برده ها نداشت، اما حالا خیلی خوشحالم.» او می گوید که آنان در بدل 1400 دالر برای ده سال به گرو گرفته شده بودند.

او در ادامه گفت: «حالا آزاد استم. حال در کنار یکی از جاده های شهر جلال آباد کلاه می فروشم و روز نه دالر عاید دارم.»

Location: افغانستان

Topic: Children

Social justice

Focus: Promoting Human Rights and Good Governance in Afghanistan

Source URL: <https://iwpr.net/da/global-voices/%D9%86%D9%88%D8%B9%D9%90-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D9%87-%DA%AF%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>